

سیستم و ابزار دفاعی در دژهای ایران اسلامی

مطالعه موردی: دژهای اسماعیلیه در منطقه قهستان

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۲۵)

(تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۲/۰۲)

محمد فرجامی^۱

چکیده

انسان ها از ابتدای خلقت با روش های مختلف و متنوعی از خود در مقابل ناملايمات طبیعی و انسانی محافظت می کرده اند، اما شکل و روش دفاعی بناها به فراخور رشد ذهنی و فکری بشر تغییر کرده و رشد یافته است. در دوره های مختلف پیش از تاریخ، انسان ها بسته به شرایط طبیعی و جغرافیایی نقاط مختلف کره زمین، روش های دفاعی مختلفی را مدنظر قرار داده اند.

لذا روش های دفاعی در قرون میانه اسلامی از تنوع بسیار زیادی برخوردار بوده است، زیرا دژسازی و ساخت و ساز ساختارهای دفاعی که در دوره های اشکانی و ساسانی با خشت، گل، لاشه سنگ و ملات گچ به تعداد بسیار زیادی در سراسر قلمرو سیاسی و فرهنگی پارت ها و ساسانیان ایجاد شده بود، در این دوره نیز به نوعی تکرار شد و اسماعیلیه با ساخت دژهای سنگی بر ارتفاعات، در قلمرو سیاسی سلاجقه عامل مهم مقاومت در برابر قدرت خودکامه سلاطین سلجوقی بودند. اسماعیلیان با ساخت این دژها، هم به نوعی شیوه های معماری دوران تاریخی خصوصاً ساسانی را یادآور شدند و هم ویژگی و تنوع خاصی به معماری خویش دادند. آنان با ساخت دژ در ارتفاعات و بلندی ها در نقاط مختلف جهان اسلام خصوصاً شرق ایران (قهستان)، دره الموت، اصفهان و سوریه (جبل بَهر) قدرت فوق العاده خود را به رخ شاهان سلجوقی، صلیبیون و سایر دشمنان خود در جامعه آن روز کشیدند.

این تحقیق به صورت میدانی صورت گرفته و بخش هایی از آن نیز که دسترسی به خود قلعه نبوده از منابع و کتب مرتبط استفاده شده است و از سویی به تفسیر و تشریح در مورد ساختار دفاعی دژها در طول دوره های مختلف پرداخته است و سپس به ساختار و شکل دفاعی دژهای اسماعیلی در منطقه قهستان به طور خاص اشاره شده است.

واژگان کلیدی: دژهای کوهستانی، اسماعیلیه، سلجوقیان، قهستان.

۱. کارشناس ارشد باستانشناسی، اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان سریش.

مقدمه

دژ در لغت به معنای توشه دان، برج، بارو و حصاری است در کوه که انسان را از دشمن نگاه می دارد (دهخدا، ذیل ماده قلعه). معمولاً ارگ و دژ شهرها را همیشه بر بلندی های موجود در شهرها ساخته اند، اگر هم پشته و بلندی نبوده با ریختن خاک به صورت دستی، پشته ای مصنوعی به وجود می آوردند. گاهی این بلندی در وسط شهر (حلب، بلخ و اربیل عراق) و گاهی در کناره ها (بم، تبریز و شهر بلقیس اسفراین) قرار می گرفت. در صورتی که این بلندی در کنار شهر باشد، همیشه آن طرفی را که به شهر بند نزدیک تر بوده محکم تر می ساخته اند و گاهی دامنه تپه ای یا کوهی را می تراشیده و پرتگاه به وجود می آوردند (ایزدخواست و دژ جاورتن جغتای) یا رودخانه ای از نزدیک ارگ می گذشته (استخر، شوش، شهر بلقیس اسفراین و ...) و یا خندق های عظیمی برای محافظت مناطق ضعیف ارگ (بم، شهر بلقیس اسفراین) حفر می کردند (ستوده، ۱۳۶۲: ۱۲؛ ستوده، ۱۳۴۰: ۳۵۰). دژ در ایران صرفاً جنبه دفاعی داشته و کمتر دژی بوده که به مانند دژهای قرون وسطایی در اروپا به منظور کاخ و محل سکونت حاکم یا اشراف زادگان مورد استفاده قرار گیرد یا محل سکونت جنگجویانی باشد (ایوانف، ۱۳۸۳: ۳۲)، البته معدود کاخ- دژهایی نیز به مانند دژ دختر فیروزآباد، دژ دختر ساوه و دژ ضحاک هشتمین بوده اند که ساختمان های رفاهی و تجملاتی نیز داشته اند. دژها در برهه های زمانی خاص به شکل ها و صورت های مختلفی ساخته شده اند. در دوره های ساسانی و سلجوقی (اسماعیلیه) دژها عمدتاً با لاشه سنگ، ملات گچ و بر بالای کوه ها و در دوره های پارت، ایلخانی، تیموری، صفوی و خصوصاً قاجار غالباً با خشت، گل چینه بنا شده اند. حال این تفاوت ها در ساخت، شاید به دلیل اعتقادات مذهبی و یا شاید پشتیبانی های مالی قوی صورت پذیرفته است.

دژها در ایران به شکل های مختلف و بر اساس وضع طبیعی محل و مصالح موجود ساخته می شدند و دارای هیچ گونه شکل و طرح خاصی نمی باشند. عامل دیگری که در طراحی و ساخت دژ تأثیر داشته، مواد و مصالح می باشند. در نواحی کویری خشت و آجر، در مناطق جنگلی چوب و الوار و در مناطق کوهستانی از لاشه سنگ به منظور ساخت، استفاده می شده است (شکل ۱). اما اساساً دژها به طور کلی و از نظر محل استقرار (قرارگیری) به دو دسته کلی تقسیم می شوند که عبارتند از: دژهای جلگه ای و دشت، و دژهای کوهستانی.



شکل (۱): محل قرارگیری قلاع کوهستانی و دشت

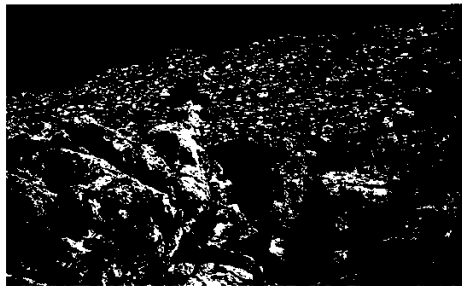
الف) دژهای کوهستانی

این دژها بر بالای کوه ها و به صورت منفرد ساخته شده اند. طرح و پلان این دژها عمدتاً به ساختار کوه بستگی داشته و هیچ نوع طرح معین و یکنواختی در ساختار کلی آنها دیده نمی شود. مصالح این دژها عمدتاً بر خلاف دژهای جلگه ای که اکثراً خشت و گل چینه است بیشتر لاشه سنگ و ملات گچ بوده و در پاره ای مواقع و یا جاهای خاص آجر، ساروج و یا چوب به کار برده اند. دژهای کوهستانی بر بالای پرتگاه ها ایجاد شده و بر بالای این پرتگاه ها در بخش هایی که سطح کوه فضای نسبتاً مسطحی وجود داشته اقدام به ساخت دژ کرده اند و بخش های دیگر را تسطیح کرده و در برخی مواقع اقدام به کندن سنگ و صخره های سطح کوه کرده و فضا سازی نموده اند و از سنگ ها و صخره های کنده شده برای ساخت دیوارها و فضاهای معماری درون دژ استفاده کرده اند.

اولین قدم در ساخت دژهای کوهستانی، ساخت یک دیوار دفاعی بسیار قوی و مستحکم بوده تا بتواند مدافعین و ساکنین را در پناه خود حفظ نماید و سپس اقدام به ساخت سایر بخش های دژ می نمودند. سازندگان دژ در ابتدا شروع به ساختن دیوار، بسته به محدودیت زمانی می نمودند و سپس به منظور حفاظت بهتر در فواصل این دیوارها و همچنین استحکام بیشتر دیوار، برج هایی نیز تعبیه می شد که جنبه نظامی یا غیرنظامی داشته اند. در دژهای کوهستانی، معمولاً دیوارها را از جاهایی عبور می دادند که نزدیک به پرتگاه ها و صخره های بسیار بزرگ باشد. دروازه دژ معمولاً در محلی تعبیه می شد که دفاع از آن نسبتاً راحت و ساده بوده و دو برج بزرگ که کاملاً بر این درگاه اشراف داشتند در اطراف این

دروازه ساخته می شده است. این دروازه ها بسیار باریک و تنگ ساخته می شد تا دشمن به راحتی نتواند وارد دژ شود. علاوه بر این، دفاع کردن از یک راهرو باریک برای مدافعان بسیار ساده تر از یک راهرو پهن و بسیار وسیع است که افراد قدرت مانور زیادی در آن دارند. گاه اتفاق می افتاد در اطراف کوهی که دژ بر آن ساخته شده بود، دیوار می کشیدند (دژ گردکوه دامغان و الموت قزوین)، یا در برخی مواقع خندقی برای جلوگیری از ورود دشمن به دژ، خندق هایی در پایین کوه ایجاد می شد (دژ الموت قزوین) (ستوده، ۱۳۴۰: ۳۵۵).

در دژهای کوهستانی از حداقل فضاها بر بالای کوه حداکثر استفاده را می کرده اند و از لحاظ ساختاری مشابهتی با دژهای دشت ندارد، بلکه فضاها تودرتو، درهم و یا بر بالای همدیگر ساخته شده اند و کمتر امکان داشت فضاها دارای پلان یا حتی کف سازی منظمی باشند و پایه دیوارها تماماً بر روی صخره گذاشته می شد و حتی اگر بنا کردن دیوار بر روی صخره امکان پذیر نبود اقدام به زدن طاق بر روی پرتگاه ها، دره ها، شکاف ها و ایجاد سطح صاف بر بالای کوه می نمودند (دژ کوه حسین قاینی، قلعه دختر آهنگران) (شکل ۲) و یا در برخی دژها به دلیل کمبود فضا و صعب العبور بودن فضاهایی را در دل صخره ها ایجاد کرده اند (دژ الموت، میمون دژ خشکه چال اندج).



شکل (۲): نحوه ساخت و ساز بر بالای صخره ها و پرتگاه ها (قلعه حسین قاینی)

نکته قابل توجه در مورد دژهای کوهستانی این است که، اکثر دژهایی که در دوره ساسانی و یا دوره های زمانی قبل از سلجوقی (قلعه الموت در قرن سوم هجری در زمان آل زیار ساخته شده است) ساخته شده اند، در این دوره مورد بازسازی قرار گرفته و مجدداً استفاده شده اند. گواه این گونه استفایده ها، تعداد بسیار زیاد دژهای دختر (قرقلعه) است که در نواحی مختلف ایران به این نام مشهور می باشند و نظر به آثاری که در آنها به دست آمده اکثراً در دوران اسلامی مورد استفاده قرار گرفته اند (قلعه دختر ساوه، کرمان، قاین و ...).

ب) دژهای جلگه ای یا دشت

گونه دوم دژ، دژهای جلگه ای است که عمدتاً به شکل مربع و مستطیل می باشند و در چهار گوشه آنها چهار برج مدور قرار دارد. برخی از این دژها به شکل دایره ای بوده که در فواصل مشخص دارای برج هایی می باشند (همان: ۳۵۳) و به تعداد کم نیز مشاهده شده که چند ضلعی بوده و ساختار منظمی نداشته اند (شهر بلقیس اسفراین، ارگ بم، دژ کهنه جاجرم و ...). این دژها عمدتاً با مصالح خشت و گل چینه و در برخی مناطق نیز با آجر و گچ ساخته شده اند. اکثر این دژها در کنار روستاها و یا مسیرهای دسترسی به شهرها یا روستاها ساخته می شدند تا مردم روستا یا شهری که دژ به آن تعلق دارد در هنگام تهاجمات به راحتی بتوانند خود را به دژ برسانند و در پناه آن از جان خویش پاسداری نمایند. به عبارت دیگر، این گونه دژها نقشی همانند پناهگاه های زیرزمینی در دوران حاضر را ایفا می کرده است. این دژها غالباً در حاشیه دارای خندق و یا خاکریز می باشند. علاوه بر این، دژهای بیابانی دارای نقب ها یا راه های فرار به بیرون از دژ و راه های رفت و آمد به بیرون در هنگام محاصره های طولانی بوده اند (همان: ۳۵۳). این گونه دژها را می توان شکل دهنده و بنیاد کننده شهرهای بزرگ دانست. قلعه های دشتی، گونه ای از معماری این سرزمین اند که صرفاً در گرداگرد نقاط مسکونی احداث شده اند، زیرا برج و باروها برجسته ترین و خارجی ترین بخش این گونه معماری بوده است (پازوکی، ۱۳۸۰: ۲۹۷).

شکل، اجزا و عناصر درونی و برونی این دژها به گونه ای انتخاب و ساخته می شد که نیازهای دژنشینان را برآورده و نگرانی هایشان را در مناطق کویری با توجه به ویژگی ها و نیازهای خاص خود مرتفع سازد. این دژها عمدتاً هسته و بن مایه یک شهر به حساب می آیند که در ابتدا، این دژهای خشت و گلی ساخته شده و مردم در پیرامون دژ اقدام به ساخت و ساز و ایجاد سکونتگاه هایی نموده و این استقرار به طور مداوم شکل گرفته و تداوم داشته تا سکونتگاه های بسیار بزرگ بوجود آید (بم، ری، نیشابور، دامغان، ساوه، کرمانشاه، همدان و ...). از لحاظ طبقه بندی و سلسله مراتب، دژهای دشت دارای سلسله مراتب پیچیده و منظمی بوده اند که ساکنین به شدت موظف به اجرای آن بودند و رعایت آن اجباری به نظر می رسید، ولی این سلسله مراتب در دژهای کوهستانی و خصوصاً دژهای دوره سلجوقی که متعلق به اسماعیلیه بودند به چشم نمی خورد. حتی از لحاظ نوع مصالح نیز در بخش های مربوط به

حاکم نشین از مصالح با کیفیت بهتر استفاده می شد در حالی که در قسمت های عام، دقت کمتری در مصالح، ساخت، طرح و نقشه فضاها صورت می گرفت. دژهای خشت و گلی دشت به نوعی تمامی امکانات و خدماتی را که در شهرهای بزرگ آن روزگار، مردم استفاده می کردند به طور کامل ولی در مقیاس بسیار کوچک مهیا بود. این بناها دارای بخش های اصلی ربض^۱، شارستان، ارگ، مسجد، بازار، مدرسه، سربازخانه، اصطبل و زندان بودند.

به منظور تکمیل و به پایان بردن این مبحث، بخشی از نوشته های مؤلف کتاب آداب الحرب و الشجاعة، در اینجا آورده می شود. وی دژها را به انواع مختلف تقسیم کرده و می گوید: «و حصار بر چند نوع است: یک نوع، آن است که در زیرزمین سَمِج^۲ ها کرده باشند و از آن سَمِج^۳ ها راه ها کرده و سوراخ هایی آن را تا درون رودباری یا لوره کندی یا بیشه ای بیرون برده تا کسی درنیاید. از آن سوراخ ها بگریزند و دژ را خالی بگذارند و چنین حصارها ملحدان کنند که اگر درمانند، بگریزند. و نوعی دیگر آن است که حصار بر روی زمین باشد که درو سَمِج^۴ توان گرفت و به مراد جنگ توان کرد و نوعی دیگر آن است که، اگر چه بر روی زمین باشد اما او را خاکریز کرده باشند و آن را سَمِج^۵ نتوان گرفت و نوعی دیگر آن است که بر شیب ها و سرهای کوه باشد و اگر برگ حصار ساخته باشد از مرد و خزاین دشوار توان سِتْدَن^۶ و بر آن صلح باید کرد و بازگشت، که اگر بی صلح بازگردد و هنی^۷ بزرگ باشد و اگر در زیر حصار بنشیند چون لشکر به کاه و علف رنج بیند بدین سبب مقام لشکرگاه تباه شود و هوا عَفَن^۸ گردد و رنجوری ها خیزد و نشاید که پادشاهان زیر چنین حصارها روند و اگر شهری حصین باشد و اسباب آنچه در حصار باید ساخته باشد و مرد بسیار نشاید که پادشاه نزدیک آن حصار رود که او باش شهر استاخ (گستاخ) شوند و به نزدیک شهر رها نکنند و اگر چه بی غرض برخیزد و هنی بزرگ باشد و اگر مردمان حصاری درمانند و امان خواهند و التماس کنند که آنچه توانند ببرند امان باید داد و در آن هیچ مضایقه نباید کرد که چون حصار فتح شد کاری بزرگ باشد به حصار بسنده باید کرد که غرض از کارها بر آمد مراد است و گرفتن و مسلم شدن حصار» (ستوده، ۱۳۶۲: ۱۵).

۱. بخش خارجی یا بیرونی شهر

۲. تونل

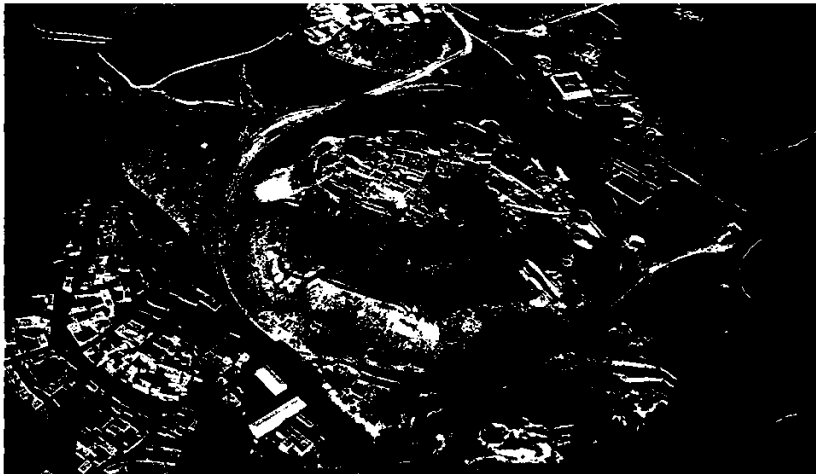
۳. گرفتن

۴. ترس، وحشت

۵. بدبو

سیر تاریخی ساخت دژ و استحکامات دفاعی در ایران

در محوطه های پیش از تاریخی ایران زمین، دیوارها و حصارهای دفاعی از همان ابتدا وجود داشته که نمونه های اولیه این ساختارهای دفاعی را در حسلو (Dayson, 1963: 118)، سیلک و گودین (Youn, 1969: 287) به خوبی می توان مشاهده نمود (شکل ۳). این ساختارها بنا به اقتضای موقعیت جغرافیایی خود با لاشه سنگ و یا با خشت و گل چینه ساخته شده اند. روند ساخت و سازهای دفاعی در دوره مادها و براساس نقش برجسته های آشوری از تنوع خاصی برخوردار می باشند که این روند در زمان هخامنشیان نیز ادامه یافته است.



شکل (۳): تصویر هوایی قلعه حسلو

ساختارهای دفاعی دوره ماد که به خوبی در نقش برجسته های آشوری به تصویر کشیده شده اند، گویای بزرگی سازه های دفاعی در این عهد می باشند. دژهای این دوره ساختمان های محکمی بودند که بر ارتفاعات و صخره های طبیعی و یا گاهی بر خاکریز و تپه های مصنوعی گرداگرد آنها لااقل یک دیوار (خارخار) و یا گاهی چندین حصار متحدالمرکز (دژ کیشی سو) کشیده شده بود. در طول حصار برج هایی به فاصله های معین تعبیه شده بود و سربرج ها و حصار برای تیراندازی با کمان، کنگره دار بود. حصار اصلی با سنگ ساخته می شد و بدنه حصار با خشت خام و غالباً دژها را به گونه ای می ساختند که خندق و یا مسیر طبیعی رودخانه، دفاع از آن را تکمیل کند.

سازه های دفاعی دوره هخامنشی به دلیل توسعه شهرها، افزایش جمعیت و تغییر فنون جنگی و دفاعی، پیشرفت های زیادی در نحوه بنای استحکامات شهرها و دژها داشت. مهم ترین این تغییرات، تبدیل برج های نیمه استوانه ای به برج های مستطیل شکل و ایجاد دیواره های کنگره دار است که کار دفاع را در مقابل دشمنان بهتر و راحت تر می ساخت (پازوکی، ۱۳۷۶: ۶۹). هخامنشیان علاوه بر شاخصه های جدیدی که وارد معماری خویش ساختند، ویژگی های معماری تدافعی دژهای اورارتویی آذربایجان و قفقاز را نیز فراگرفتند.

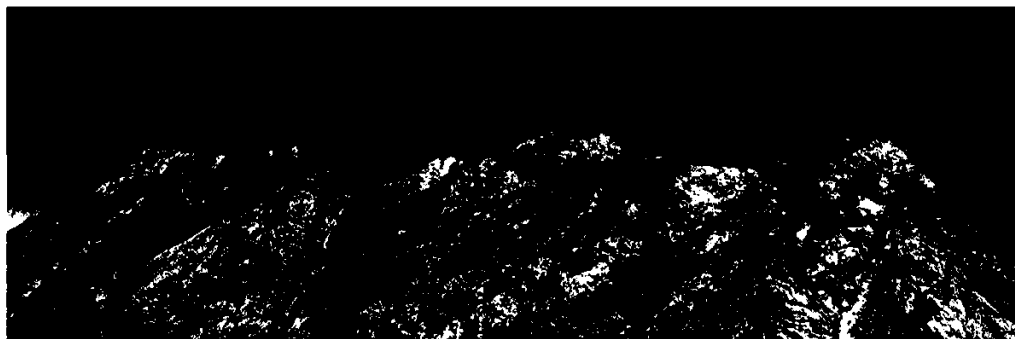
بناهای دفاعی در دوره اشکانی که به تعداد زیاد ساخته شده اند از لحاظ ساختاری، متفاوت با دوره های ماد و هخامنشی می باشند. این بناها عمدتاً با مصالح خشت و گل چینه ساخته شده اند که مهم ترین سازه این دوره در ایران زمین، دژ ایرج (قلعه گبری) ورامین است. این بناها دارای یک دیوار یا باروی دفاعی سراسری می باشند و در فواصل نسبتاً منظم نیز برج های دایره ای شکل، امنیت دیوار را تأمین می نماید. مهم ترین ویژگی در معماری پارتی، استفاده از طاق و قوس، ایجاد ایوان با سقف گهواره ای و بناهایی با پلان چهارایوانی است که در دوره اسلامی از این نوع پلان استفاده فراوانی شده است؛ اما اختلاف معماری پارتی با هخامنشی به چند گونه است که هم در شکل و نوع پلان و هم در استفاده از مصالح و شهرسازی است. در این دوره، برای آن که فضا بزرگ باشد و نیاز به استفاده از ستون نباشد روش جدیدی به کار رفت و آن هم استفاده از کانه پوش بود، در این حالت قسمت فوقانی سقف مسطح و قسمت داخلی به صورت گهواره ای یا قوسی است. فرق عمده دیگری که در این معماری با دوره های قبل از خود دارد، شهرسازی به صورت دایره ای شکل است که به صورت مبنایی از اصول شهرسازی قدیم آسیای غربی اقتباس شده است. با ظهور پارتیان، عموم شهرها دارای حصار ضمیمه، بلند و دایره ای شکل می گردند که در این حالت دفاع از شهرها در موقع یورش دشمنان آسان تر می باشد. شواهدی وجود دارد که پارت ها بعد از تصرف شهرها، آنها را به دایره تغییر می دادند، از جمله شهرهای دایره ای شکل که در این دوره به وجود آمده اند، عبارتند از شهرهای مرو، سلوکیه، تیسفون و هاترا. علاوه بر شهرها، دژهای دفاعی که در داخل دشت ساخته می شدند نیز به شکل دایره بودند. در داخل شهرها عموماً در مرکز حکومت پادگان های نظامی، ادارات و نهادهای سیاسی و معابد ایجاد می شد و گاهی چندین حصار بخش های مختلف شهر را در میان می گرفته است.

ساسانیان در ابتدای کار در ساخت شهرهای خود کاملاً تحت تأثیر شهرسازی دوره اشکانی بودند به همین خاطر پلان گرد به عنوان یک اصل در ساخت شهرهای اولیه، مانند فیروز آباد مدنظر بود. البته گاهی نیز تناسب با وضعیت محیط باعث ساخته شدن شهرها می شد (مانند تخت سلیمان)، بعدها در زمان شاپور، ساخت شهرها با پلان گرد منسوخ و استفاده از پلان مستطیلی یا هیپوداموم^۱ معمول شده بود. این گونه شهرها، تقلیدی از شهرهای مستطیلی روم بود. اگرچه می توان تأثیرات بومی و محلی را نیز در این شهرها مشاهده کرد. همه این شهرها چه گرد یا مستطیلی، دارای دو یا چهار دروازه، دژ یا کهندژ هستند که بسته به نوع نقشه شهر در گوشه ها (پلان مستطیلی) و گاه در میان (پلان گرد) قرار می گرفته، شارستان در اطراف کهندژ و ریض در خارج از شهر قرار داشتند. در پلان مستطیلی، شهرها به وسیله خیابان ها و کوچه های قائم الزاویه به صورت شطرنجی به بخش های کوچک تر تقسیم می شدند در حالی که در پلان گرد، این خیابان ها به صورت شعاعی همدیگر را در مرکز شهر قطع می کردند. این شهرها دارای سیستم دفاعی مستحکم، دیوارهای ضخیم با برج و باروهای مستحکم بوده و گاهی نیز شهر را طوری می ساختند که از یک جهت به موانع طبیعی مثل رودخانه، کوهی که دژ روی آن قرار داشت و یا به دریا منتهی می شدند. دژهایی که در زمان ساسانیان ساخته شده اند، معمولاً دارای برج های نیمه گرد و جلوتر از دیوار دفاعی هستند و این برج ها خیلی به هم نزدیک ساخته شده اند. نزدیک بودن برج ها به یکدیگر، علاوه بر آنکه قدرت دفاعی ساکنین دژ را افزایش می دهد، بر زیبایی طرح بنا نیز می افزاید. محکم کردن و مسطح کردن دژ به وسیله برج های دفاعی مدور در زمان ساسانیان توسعه و تکامل زیادی یافته که نمونه بارز آن را در دژ دختر فیروزآباد که در اوایل عهد ساسانی ساخته شده می بینیم که دارای یک حصار دفاعی است که به طور منظم در برخی قسمت ها جلوتر و در برخی قسمت ها عقب تر آمده است. دروازه شهرهای ساسانی نیز معمولاً بین برج های نیمه گرد قرار داشته اند. از مهم ترین سازه های دفاعی این دوره، می توان به کاخ دژ فیروزآباد، تخت سلیمان و شهر بیشاپور اشاره کرد. لازم به ذکر است سنت دژسازی ساسانی تا قرون اولیه اسلامی با تمام کمال ادامه یافت و فقط در جزئیات و تزئینات مختصر تفاوتی با معماری دوره قبل از خود در ایران داشت.

1. Hipodamum

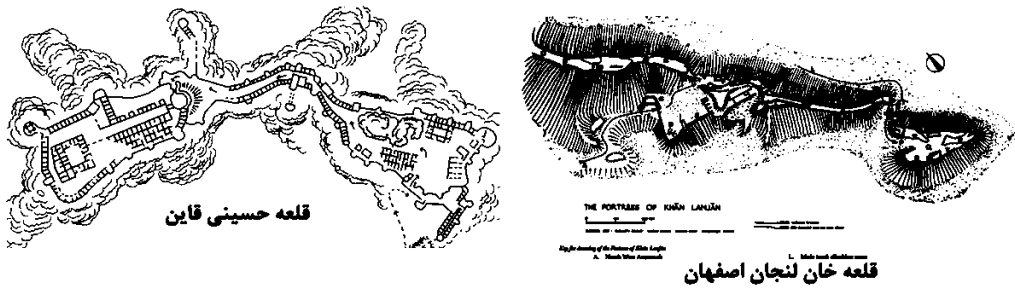
ساختار دفاعی در دژهای اسماعیلی

تاریخ بنای دژهای کوهستانی به زمانی بسیار قدیم تر از حمله اعراب یا اسماعیلیان مربوط می شود، زیرا در حمله اسکندر به شرق ایران از این دژها سخن رفته و آیین ها به فنون ساختن دژها آگاه بوده اند؛ و در دوره قبل از اسلام، بالاخص مادها و ساسانیان با این شیوه دژسازی آشنا بوده اند. البته بعدها فرقه اسماعیلیه دژهای کوهستانی را با پول، حيله و زور تصرف کردند و پس از اصلاح، تعمیر، افزودن الحاقات و اضافاتی مورد استفاده قرار دادند و بالاخره این دژها در مقابل خشونت، یکدندگی و سماجت مغولان سر تسلیم فرود آورد. در ساختن این گونه دژها اصل بر آن بود که مکان موافق باشد و بنا مناسب. مکان موافق را در شکل طبیعی پستی و بلندی های صخره ای که دسترسی به آن غیرممکن و یا بسیار دشوار بود، می یافتند و بنای مناسب آن بود که با حمله های سخت و محاصره های طولانی از پای در نیایند. به عنوان مثال، تیرداد محل دژ دارا را جایی قرار داد که کاملاً بر بالای بلندی بود و این محل در جایی قرار داشت که از هر طرف کوه هایی که دارای شیب تند بود بر آن احاطه داشتند (رضایی، و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۱۷). غیرقابل وصول بودن یکی از مزیت هایی بود که قلعه های اسماعیلی می بایست داشته باشند، بدین روی اکثر این قلعه ها در نواحی کوهستانی واقع بود (هاجسن، ۱۳۶۹: ۹۹) (شکل ۴).



شکل (۴): نمای شرقی قلعه حسین قاینی

در طرح این دژها هیچ الگو، نظم و هندسه معینی وجود نداشت از این رو تنوع دژها در مناطق کوهستانی چنان است که می توان گفت هیچ دژی را نمی توان یافت که طرحی همسان داشته باشد (پازوکی، ۱۳۷۶: ۱۶۱) (شکل ۵).



شکل (۵): نقشه کف قلعه های خان لنجان و حسین قابنی

در برخی دژها امکان داشت که برای استفاده بیشتر از فضای فوقانی کوه و بزرگتر شدن وسعت دژ اقدام به ساخت دیوار در بخش های میانی کوه نموده و پشت این دیوارها را با نخاله پر می کردند تا فضای بیشتری را در بالای کوه به منظور ایجاد بنا داشته باشند. برای بنا کردن دژهای سنگی در کوهستان های بلند و خشک، علاوه بر نیروی کار بسیار زیاد و ارزان به مدیریت قاطع و اعتقادات مذهبی راسخ نیاز بوده است. به همین دلیل، این دژها همیشه به وسیله بزرگان، فرمانروایان، دولت ها یا دولت شهرها ایجاد شده اند و جهت جلب حمایت مالی عامه و در صورت لزوم حمایت نظامی آنان، دارای کاربردی نظامی - مذهبی بوده اند. هنگامی که علاوه بر سایر شرایط، تحریکات مذهبی و اعتقادی نیز در کار باشد مردم عادی به راحتی دل به کارهای سخت داده و مال و انرژی فراوان صرف کارهای بزرگ می کنند. دژهای کوهستانی با استفاده از شیب طبیعی و عوارض جغرافیایی که طبیعت در سینه کوه ایجاد کرده، ساخته شده اند و دشمن مهاجم می بایست در زیر باران تیرها، سنگ ها و صخره های طبیعی استتار شده و بالا بیاید. چند نقب ارتباطی میان رج های خارجی دامنه گرد کوه و داخل دژ نشان می دهد که سازندگان دژ، نهایت استفاده را از طبیعت کوهستان برده و معماری بناهای خود را متناسب با آن انجام داده اند و لایه های سنگ و آجر را روی هم قرار داده اند.

سازندگان دژ، این لایه را به راحتی خارج کرده و کانال های طبیعی بنا کرده اند. آنان در ایام بیکاری سنگ هایی را گرد کرده و به شکل گلوله توپ در آورده اند. این سنگ ها بر مهاجمین پرتاب شده که امروزه از فراز دژ، انبوه سنگ های قدیمی پرتاب شده مانند گوسفندان به نظر می رسند که در دامنه کوه آرمیده اند. در اطراف ساختمان مقدمه دژها، سازه های بزرگی جهت فریب دادن دشمنان بنا می شده

است. معمولاً در زیر پای این سازه های بزرگ قطعات سنگ طبیعی از نقاط دیگر آورده شده و به شکل طبیعی روی هم قرار داده و در لابلای آن شن و خاک طبیعی ریخته اند این بخش ها کانال آب را در زیر خود جا داده، استوار و محافظت می کردند (رضایی، و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

دژهایی که در منطقه قهستان توسط اسماعیلیه ساخته شده همگی دژهایی از نوع کوهستانی می باشند که غالباً بر سر شاهراه ها و مسیرهای اصلی مواصلاتی یا مراکز عمده جمعیتی شهرهای مهم ایران آن روزگار مانند نیشابور، قاین، کرمان، یزد، طبس، دامغان، سبزوار، قزوین و ... قرار داشتند و یا اینکه بر این شهرهای مهم و استراتژیک تسلط کامل داشته اند. به عنوان مثال دژهای مؤمن آباد، کافران و مسلمانان گرسک بر منطقه تاریخی طبس مسینا اشراف کامل دارند. دژ حوض غلام کش (دژ دره) بر شهر بیرجند، دژ رستم بر شهر خوسف، دژ حسین قاینی بر شهر قاین، دژ کوه سرایان بر شهر سرایان، دژ شاهدژ (شهنشاه دژ) به شهر نهبندان، دژ کوه سریش به شهر سریش، دژ کوه فردوس بر شهر فردوس، دژ جلال الدین جاجرم بر شهر جاجرم، دژ گردکوه دامغان بر شهر دامغان و جاده مهم ابریشم، و دژ کوه مود بر شهر مود تسلط و اشراف کامل داشته است.

برخی از این دژها که خارج از چارچوب راه ها و مسیرهای اصلی می باشند و در دل کوهستان ها قرار دارند صرفاً دژهایی هستند که به عنوان پناهگاه و یا مکانی برای فرمانده (محتشم قهستان) بوده اند و می توانستند در این نقطه امنیت خویش را تأمین نمایند. همچنین مدافعین در صورت شکست در این دژها به راحتی می توانستند از محاصره بگریزند و جان سالم به در ببرند (همان: ۱۱۷).

در منطقه قهستان به دلیل اینکه عمده ساکنین محل اسماعیلی بوده و شهرها و روستاهای این منطقه را به مانند دره الموت به طور کامل در تصرف خویش داشته اند به همین خاطر دژهای ساخته شده در منطقه صرفاً جنبه تدافعی صرف داشته و ساکنین به غیر از زمان محاصره و جنگ در دژها ساکن نبوده اند و عمده فعالیت های روزانه خویش را در شهرها و روستاهای تابعه دژ به انجام می رسانیده اند. چرا که این شهرها و روستاها به جز در بخش های محدودی مثل کاشمر و تربت که در مواقعی به طور کامل تحت تصرف آنان نبود ولی بقیه قهستان به طور کامل در اختیار اسماعیلیان قرار داشته و آنان به اختیار در این بخش ها حاکمیت داشتند و نیاز به دژنشینی و استقرار دائم در دژها نبوده است (رشیدالدین فضل الله، ۱۳۸۷: ۱۰۷؛ جوبنی، ۱۳۸۷: ۲۰۰؛ دفتری، ۱۳۸۳: ۴۳۴؛ فرقانی، ۱۳۸۱: ۲۴۳).

در برخی دژها، مانند شاهدژ اصفهان، دژ دره بیرجند، دژ آبیژ و ... به منظور حفاظت و دفاع دیوارهای پیاپی ایجاد کرده اند که در برخی مواقع این دیوارها علاوه بر کارکرد دفاعی خود، قابلیت ذخیره سازی آب های سطحی در دژ را نیز داشته اند، چرا که دیواره داخلی آنها را با یک لایه آجر، ملات گچ و سپس دو لایه ساروج عایق بندی نموده تا بتوانند از فضای بوجود آمده در پشت این دیوارها به عنوان حوض انبار استفاده نمایند و هم بتوانند به عنوان یک خندق از آن استفاده نمایند (مهریار، ۱۳۴۳: ۴۵) (شکل ۶).



شکل (۶): تصویر دو بند که به عنوان دیوار دفاعی در ساختار قلعه عمل می کند.

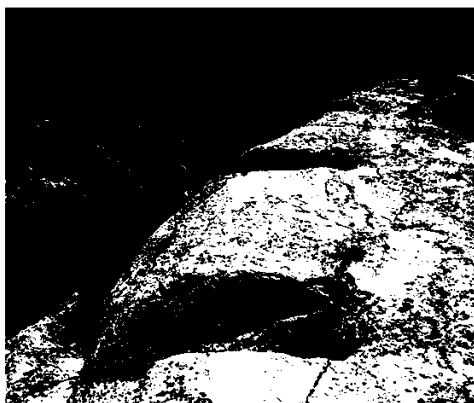
کمتر دژی وجود دارد که دارای ساختار طبقاتی مرتبی باشد، ولی در برخی دژها این امکان وجود داشته تا استحکامات را در سطوح مختلف قرار داده اند تا بتوانند به خوبی عمل دفاع را به انجام برسانند. این شیوه ساخت در برخی دژهای معروف چون دژ لمبسر و دژ کوه فردوس ایجاد شده است (شکل ۷).



شکل (۷): دیوارهای دفاعی متعدد در قلعه کوه فردوس

اما در برخی دژها ساختار متفاوت مقاومتی در برابر دشمنان به هنگام ورود ایجاد کرده اند که با ایجاد فضاهای ساختمانی در بخش های مختلف و مسیرهای تنگ به صورت جداگانه، باعث شده تا مهاجمین با ورود به دژ در مسیرهای باریک در تله مدافعین بیافتند و در داخل دژ نیز دشمن از بخش های مختلف مورد حمله قرار گیرد.

مضاف بر این، در دژهای اسماعیلی سعی شده در کوه هایی که در اطراف دژها قرار دارند برج های نگهبانی ایجاد کرده تا افراد برای نگهبانی و راهداری بتوانند به خوبی حرکت دشمن در مناطق مختلف را با علاماتی که در آن زمان (مانند نور، آتش، صوت و ...) معمول بوده به اطلاع ساکنین دژ یا دژهای اصلی برسانند، این دژهای کوچک و برج ها در مناطق مختلف با نام قراولخانه (عامیانه- قلاورخونه = آگاهی دهنده) شناخته می شوند. در این دژها سعی شده سازندگان و مدافعین دژ به بخش های مختلف دیوار دژ سرزده و بخش هایی را که یک انسان می تواند از آن صعود نماید را با برش دادن و خراب کردن، راه های ورود و دسترسی دشمن به بخش های مختلف را مسدود نمایند. در تعدادی از این دژها مشاهده شده که حتی دیواره های صخره ای را برای جلوگیری از نفوذ دشمن به طول چندین متر به صورت صاف و مسطح برش داده اند (مانند فراتاش در کوه بیستون) این اتفاق در دژ کوه جاورتن جغتای در جنوب جلگه جوین سبزوار رخ داده است. لازم به ذکر است که ایجاد بریدگی در سطح کوه به میزان بسیار کم در غالب دژها دیده می شود، همانند دژ صعلوک در اسفراین، دژ حسین قاینی، دژ حسن بایخان شاهرخت، دژ دختر جزنان قاین و ... (شکل ۸).



شکل (۸): ایجاد بریدگی بر سطح کوه (قلعه صعلوک اسفراین)

بخش های دفاعی دژ

دژها عموماً دارای بخش های مختلفی شامل بارو، برج، راهرو، حوض انبار، خندق، ارگ، سربازخانه و ... می باشند که بیشتر این بخش ها در همه دژها وجود آنها ضرورت دارد به جز بخش هایی همانند خندق و سربازخانه و یا محل هایی همچون ارگ در همه دژها نمی تواند عمومیت داشته باشد و یا نبود آنها، خللی در ساختار و چارچوب کلی دژ وارد نمی سازد. تقسیم بندی قلعه ها به فضاهای مختلف بدون اطلاع از کاربری آنها، کار سنجیده ای نمی باشد اما وجود برخی از اجزا در یک قلعه چه قلعه های کوهستانی و چه جلگه ای ضرورت تام دارند و نبود آنها در قلعه، ضربات سهمگینی را به قلعه نشینان وارد می کند. اما مهم ترین بخش های یک قلعه دوره میانه اسلامی عبارتند از:

بارو

مرحوم دهخدا در تعریف و توضیح واژه بارو این گونه بیان می کند: «حصار، دیوار و حصار، و آن را باره نیز گویند. باره، باروی شهر، رض، سور، حصار دور دژ و باره و شهر پناه، شهرها را به عدل محکم کنید و آن بارویست که آب آن را نریزند و آتش نسوزاند و منجیق بر وی کار نکند» (دهخدا، ذیل ماده بارو).

نخستین بخش دژهای کوهستانی، حصار، دیوار یا باروی خارجی آن است که در فواصل لازم به صورت منظم یا نامنظم برج هایی برای نگهبانی در آن تعبیه می شده است. باروها در دژهای سهل الوصول تمام محیط دژ را در بر می گرفت و برج ها نیز در فواصل معین و منظم تعبیه می شد. بالای بارو، کنگره ها و سنگ اندازها بنا شده است، در امتداد بارو در فواصل غیرمعین برج های جنگی و نگهبانی برپاست (ستوده، ۱۳۴۰: ۳۵۴). اما در دژهایی که بر بالای صخره های سخت و غیرقابل صعود قرار داشتند، تنها در نقاطی ایجاد می شد که امکان عبور و دسترسی به دژ وجود داشت. در این شکل دژ، برج ها در مکان هایی ساخته می شد که بتواند منطقه وسیع تری را در میدان دید مستقیم خود داشته باشد و علاوه بر آن، بتواند جلوی مهاجمان را سد نماید، عرض این باروها در نقاط مختلف و دژهای گوناگون متفاوت بوده و به طور متوسط حدود سه متر ضخامت داشته اند. مصالح عمده باروها را در دژها، خشت تشکیل می داد؛ اما مهم ترین مصالح در دژهای اسماعیلیه، لاشه سنگ های محلی بود که از کندن سنگ های کوهی

که قلعه بر آن واقع بود و یا از اطراف جمع آوری می کردند و همراه با ملات گچ در ساخت دیوار به کار می بردند، به دست می آمد، البته در برخی از قلعه ها از لاشه سنگ به صورت خشکه چین برای ساخت دیوارها استفاده کرده اند (قلعه رستم خوسف و شاهدژ نهبندان) (شکل ۹).



شکل (۹): نمایی از دو قلعه رستم خوسف و شاهدژ نهبندان

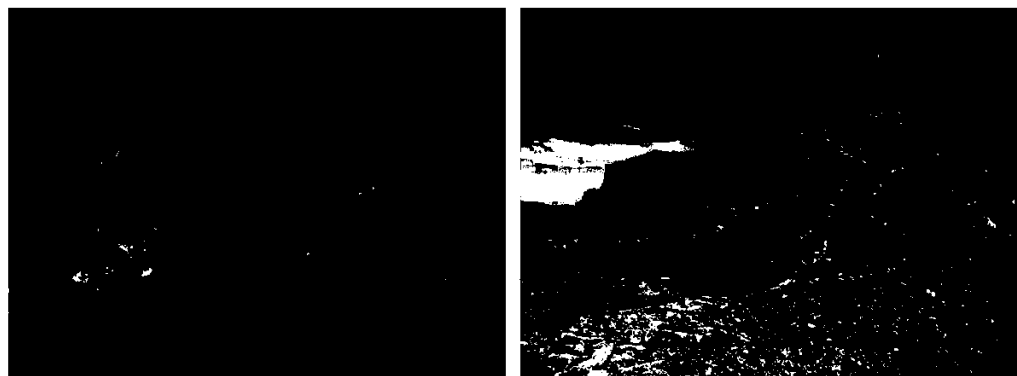
در دژ گردکوه، استحکام محل دژ و چند لایه بودن تپه های کوچک اطراف آن اجازه دفاع چند مرحله ای به مدافعان را می داده است. شیب دامنه کوه به شکلی است که امکان حرکت برای ساکنان دژ در طول محاصره را فراهم می کرده و ساکنان در این مدت می توانسته اند مایحتاج خود را فراهم آورند. دو دیوار دفاعی بیرون دژ به فاصله یک تیر پرتاب (یکصد متر) ساخته شده اند و از برجک های دفاعی بیرونی نقب های زیرزمینی به سوی دامنه وجود داشته است (رضایی، و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۲۹).

دژهای کوهستانی به خاطر موقعیت طبیعی، شکل، طرح و افزایش تدریجی ارتفاع آن تا بالاترین نقطه که معمولاً ارگ در آنجا ساخته می شد دارای چندین حلقه و دیواره دفاعی بوده اند و با سقوط بخش های پایینی دژ، مدافعین به بخش های مرتفع تر پناهنده می شدند. لازم به ذکر است در دژهای اسماعیلی، به دلیل ساختار اجتماعی که بر این جامعه و فرقه حاکم بوده، هیچ فردی بر فرد دیگر برتری نداشته، لایه ها و طبقات دفاعی مختلف و وجود ارگ در این دژها دلیل بر وجود طبقات مختلف نیست، چرا که بنا به گفته اعضای انجمن علوم روسیه، جامعه اسماعیلی یک جامعه کارگری (پرولتاریا^۱) نبوده بلکه گروهی بودند که به شدت موازین شرعی اسلامی - خصوصاً تا قیامه القیامه - و سنن ایرانی را رعایت می کردند

۱. فرزندمند - در کل به معنای مردمی که زمین خود را از دست داده و تنها با نیروی کار خود زندگی می کنند (طبقه کارگر)

و خط فارسی، آداب و سنت های ایران باستان خصوصاً ایران ساسانی را احیا کرده و در این راه از هیچ تلاشی دریغ نمی نمودند (ولادمیرونا، ۱۳۷۱: ۲۴۴).

باروها معمولاً دارای کنگره هایی هستند که هم باعث افزایش زیبایی دژها می شده اند و هم جان پناهی برای نگهبانان دژ بوده است. علاوه بر کنگره ها، در حاشیه بالایی باروها تنورهایی برای ریختن سنگ، گلوله های سنگی و فلزی وجود داشته که به آنها سنگ انداز می گفتند. همچنین باروها بسته به کاربرد در بخش های مختلف ضخامت های متفاوتی نیز داشتند که این ضخامت، بسته به ضعف و قوت قسمت های مختلف دیوار تعیین می گردید و در بخش هایی که این ضعف بیشتر بوده برج های تدافعی اضافه می شده و در بخش هایی که از لحاظ استقامتی دیوار، ضعیف بوده برج های تقویتی به آن اضافه می شده است. در دژهایی همانند قلعه دختر جزنان و قلعه حسین قاینی مشاهده شده که به منظور تجدید بنای دژ و استفاده مجدد از دژ اقدام به ایجاد دیوارهای پی در پی در بخش هایی که دارای نقطه ضعف بوده، کرده اند. ضخامت و طول دیوارهای ایجاد شده بسته به نیاز دژنشینان در بخش های مختلف تغییر می کرده است (شکل ۱۰).



شکل (۱۰): دیوارسازی های متفاوت در دو قلعه بشرویه و قلعه حسین قاینی

در نقاطی که شیب کوه کمتر بود یا نقطه ضعفی وجود داشت، این محل ها را با دیوار یا دیوارک های دفاعی که از سنگ و ملات گچ می ساختند، تقویت می کردند و یا در برخی موارد از دیوارهای خشکه چین با لاشه سنگ استفاده می کردند و دره هایی که امکان عبور و مرور و نزدیک شدن به دژ را تسهیل می کرد، می بستند (مانند دژهای مسلمانان و کافران گرسک در میان).

در برخی دژها برای دفاع از دژ، چندین دیوار پیاپی برای پشتیبانی قسمت های ضعیف و با شیب کم ایجاد کرده اند تا دژ را در برابر حملات مهاجمین مقاوم نمایند (دژ حسن بایخان شاهرخت و دژ کوه فردوس). برخی از این دیوارهای دفاعی، اصل آن از دوره ساسانی بوده و در دوره سلجوقی (اسماعیلیه) این دیوارها را مجدداً بازسازی نموده و یا نقاط ضعف را مرتفع کرده و از این دژها استفاده مجدد نموده اند (دژ چهل دختر قاین و دژ دختر جزنان قاین). در تمامی دژها بهترین مصالح را برای دیوارهای دفاعی اصلی دژ در نظر می گرفتند، چرا که بارو مهم ترین بخش دژ به حساب می آمد و با سقوط آن، دژ رو به سقوط می رفت. این دیوارهای دفاعی به دلیل کیفیت بهتر مصالح و استحکام بیشتر نسبت به سایر قسمت های دژ، سالم باقی مانده اند. البته به دلیل زلزله های متوالی در منطقه قهستان در طول تاریخ آسیب های فراوانی به این بناهای مهم وارد آمده است (دژ دختر آهنگران، دژ کوه آیز و ...). (شکل ۱۱).



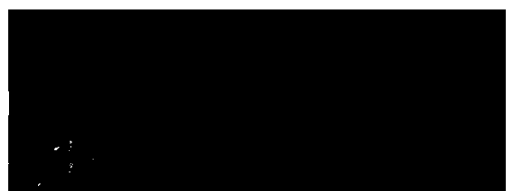
قلعه چهل دختر قاین



قلعه دختر شوراب گناباد



قلعه کوه سریشه



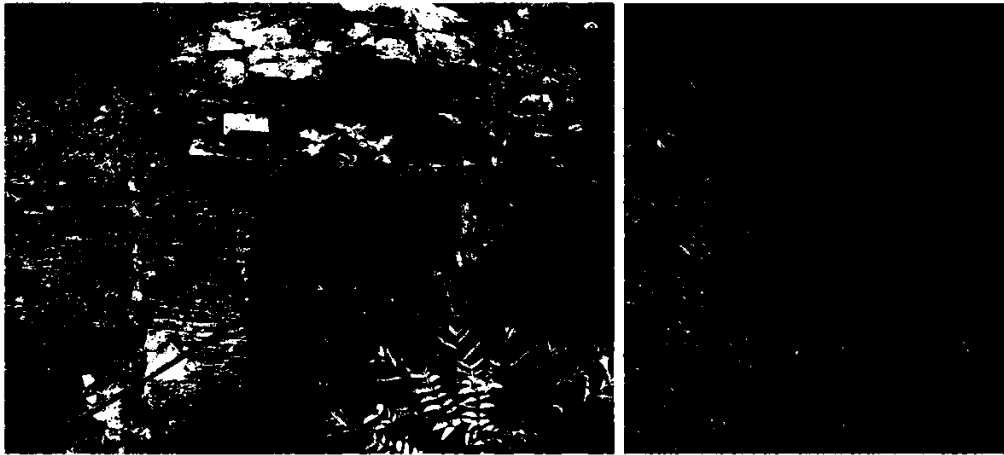
قلعه حسن بایخان قاین

شکل (۱۱): نمونه ای از باروسازی در دژهای قهستان

برج

مسلمانان تا قرن دهم هجری استفاده از برج های جانبی به شیوه رومی که از نظر اندازه، شکل و تدابیر دفاعی مطلوب و کارآمد بود را ادامه دادند. قوس های بیرونی برج های مدور جانبی موجب استحکام دیوار میان برج ها می شد. معماری نظامی رومی تا دوره سلجوقی و بنی ارتق^۱ همچنان مورد استفاده قرار می گرفت و کلیات آن حفظ شده و تنها در جزئیات متفاوت بود.

عملکرد برج ها به دو دلیل دفاعی، و معماری است. از نقطه نظر دفاعی، برج ها کار دفاع را راحت تر می سازند. برج ها عمدتاً دایره ای شکل اند، چون دسترسی راحت به همه قسمت ها را فراهم می آوردند و در میانه های خود نیز خروجی هایی به نام «مزغل^۲» دارند که برای تیراندازی و تسلط ساکنین دژ به بیرون مناسب بوده است. برج ها در اکثر دژهای قهستان به دلیل زلزله تخریب شده و فقط تنها تعداد معدودی از آنها باقی مانده است (دژکوه سرایان، دژ دختر خوگک قاین و ...). در دوران اسلامی برخی از برج ها کارکردی خارج از چارچوب دفاعی داشته اند؛ تعدادی از برج ها در محل هایی که کمتر در معرض خطر و حمله بودند به عنوان آبریزگاه مورد استفاده قرار می گرفته اند (دژ رودخان فومن و دژکوه قاین) (شکل ۱۲)



شکل (۱۲): برج هایی که جنبه های غیر دفاعی دارند (از راست به چپ قلعه حسین قاینی و قلعه رودخانه فومن).

۱. سلسله ای ترک نژاد از قبایل ترک که از ۴۹۵-۸۱۱ ه. ق. در حصن کیفا، آمد، خرتیرت، ماردین، نصیبین، میافارقین، صلب فرمان می راندند.

۲. روزنه ای دراز و باریک در دیوار حصارها و دژها به منظور تیراندازی و دفاع

برج‌ها را عمدتاً در محل‌های حساس و نقاطی قرار می‌دادند که بر اطراف اشرف داشته باشند یا مشرف بر ورودی‌ها بودند تا ورود و خروج را کنترل کنند. برج‌ها عموماً از لحاظ شکل از بیرون دایره‌ای شکل و تماماً از سنگ و ملات گچ ساخته شده و ظاهر بسیار زیبایی داشته‌اند و در برخی جاها، سنگ‌ها را تراشیده و داخل آن‌ها را پر کرده‌اند تا استحکام دیوار دفاعی را به عهده بگیرد و فقط از قسمت فوقانی آن، برای آمد و شد سربازان استفاده می‌کرده‌اند (دژ کوه حسین قاینی، دژ خُند قاین و ...). در برخی دژها، داخل برج‌ها به تقلید از بناهای دوره ساسانی به شیوه چلیپایی ساخته شده (دژ حسین قاینی). این در حالی است که خود سنت ساختن بنا با سنگ و ملات گچ، سنتی ساسانی است. در دژهای اسماعیلیان، برج‌ها علاوه بر کاربردهای فوق، کاربرد دیگری نیز داشته‌اند و آن برقراری ارتباط بصری دژها با یکدیگر بوده است. در هنگام بازدید از این دژها شخص متوجه می‌شود که هر دژ حداقل با یک یا دو دژ اطراف خود در ارتباط بوده که در هنگام خطر با روش‌های سنتی اطلاع‌رسانی از قبیل دود، آینه، آتش و ... دژ مجاور را از خطر آگاه می‌ساخته است (ستوده، ۱۳۴۵: ۱۷؛ اشیولر، ۱۳۷۳: ۳۸۷).

برج‌ها عموماً مدور یا چند ضلعی و دو یا سه طبقه بوده‌اند. بالای برج‌ها و دیوارها کنگره‌هایی ساخته می‌شد تا مدافعان دژ بتوانند در پس آن پناه گرفته و از روزنه‌ها و دیدگاه (مزغل‌ها) به سوی مهاجمان تیراندازی نمایند. در بیرون برج و بارو، گاه برای امنیت بیشتر راه سخت و پرپیچ و خم صخره را با دیواره‌ها و دروازه‌ی دیگری سد می‌کردند و دروازه اصلی را پشت استحکامات و در نقطه‌ای بلندتر ایجاد می‌کردند. در دژ گردکوه حصارها و باروها در پنج ردیف ساخته شده‌اند که دو تای آن در پایین صخره و سه تای دیگر، کوه را به سه طبقه تقسیم کرده‌اند و دژ اصلی بر بلندترین نقطه کوه قرار دارد. همین اتفاق در دژ کوه فردوس افتاده و مهاجمان بایستی از چندین لایه دیوار (شش لایه) و برج‌های مدور بسیار بزرگ عبور کنند تا به بالاترین سطح دژ که همانا ارگ است، برسند. اگر وضعیت کوه اجازه می‌داد متناسب با اهمیت دژ، فاصله بین دروازه اصلی و فضای داخلی دژ به گذرگاهی تنگ، باریک و طولانی مجهز می‌شد که گاه چند پیچ می‌خورد و از دروازه‌هایی چند می‌گذشت که به این موانع و معبر گاه، سایه هول‌انگیز پرتگاهی بلند اضافه می‌شد. تنها با عبور از این همه در و دریند بود که انسان می‌توانست به محوطه داخلی دژ که مأمن، جایگاه سکونت و استراحت دژنشینان و محل تأسیساتی چون انبارهای آب، غذا، اسلحه‌خانه و نیایشگاه و ... بود، راه یابد. در برخی دژها صعود به ارتفاع بالای دژ تنها با طناب و نردبان امکان‌پذیر بود (دژ وشاق نظنز) (پازوکی، ۱۳۷۶: ۱۶۳).

ارگ

ارگ در قلعه‌ها در بهترین نقطه از لحاظ دفاعی ساخته می‌شد و معمولاً آن را در مرتفع‌ترین نقطه کوه و در بهترین موقعیت نظامی آن می‌ساخته‌اند تا در آخرین مرحله نبرد، مدافعین به راحتی بتوانند در آن پناه گرفته و از خود دفاع کنند. وجود ارگ در دژهای اسماعیلی نیز نمی‌تواند دلیل بر طبقاتی بودن ساختار اجتماعی این فرقه باشد، بلکه صرفاً یک ساختار نظامی بود که در ساخت هر قلعه‌ای، این بخش ساخته می‌شد. در قهستان اکثراً رهبران نظامی ریاست اسماعیلیه را در دست داشتند که در ابتدا با نام رئیس شناخته می‌شدند و در ادامه با نام محتشمان قهستان، معروفیت داشته‌اند و در کنار دیگر ساکنان دژها در قهستان، برای تهیه آذوقه و ابزار دفاعی تلاش می‌کردند. سازندگان آن را با دیوار ضخیمی از بقیه دژ جدا کرده‌اند و به نظر می‌رسد که می‌توان آن را ارگ یا مقر فرماندهی حاکم دژ به حساب آورد؛ علی‌رغم اینکه در قلاع اسماعیلیه مسأله امیری و حاکمیت زیاد مطرح نبوده است. ارگ معمولاً محکم‌تر و با مصالح با کیفیت بهتر ساخته شده و دیوارهایی دور تا دور آن را در بر می‌گیرد و حالت مستقل و جداگانه‌ای از سایر بخش‌های دژ را دارد (دژ کوه حسین قاینی، قلعه دره بیرجند، قلعه کوه سریش، و ... (شکل ۱۳).



شکل (۱۳): محل قرارگیری ارگ در قلعه

این بخش از بنا در دژها به طور معمول در بالاترین و بهترین بخش دژ قرار می‌گرفته است. در بیشتر این دژها محلی به عنوان ارگ مورد شناسایی قرار گرفته (دژ کوه حسین قاینی و دژ کوه فردوس) و برخی نیز در ظاهر فاقد این فضا بوده‌اند (دژ حسن بایخان قاین). با توجه به مسائل اجتماعی و اصل قیام اسماعیلیه، در ایران، ارگ یا شاه‌نشین در دژهای اسماعیلی نمی‌توانسته کاربرد معمول را به مانند دژهای

سایر دوره های تاریخی داشته باشد، چرا که با توجه به دیدگاه های اجتماعی اسماعیلیه، هیچ فردی نبایستی از شخص دیگر برتر شمرده شده و افراد از لحاظ حق و حقوق انسانی برابر شمرده می شده اند و حتی این امر، توسط رهبرانی چون حسن صباح موسس این فرقه در الموت به اثبات رسیده که زن و فرزند خود را برای کار به دژ گردکوه دامغان فرستاد (جوینی، ۱۳۸۷: ۱۸۷). با توجه به این، دلایل نظامی برای ایجاد ارگ و شاه نشین قابل توجه تر از سایر دلایل به نظر می رسد، چرا که با وجود ارگ و حمله دشمن و تصرف بخشی از دژ، مدافعان می توانستند به ارگ که مقاوم ترین بخش آن بوده پناه برده و خود را از گزند دشمن در امان دارند و حتی اتفاق می افتاد که بعد از مدتی موفق به بازپس گیری دژ می شدند. در مجموع می توان گفت کاربرد نظامی این فضاها بیش از سایر کاربری ها بوده و به عنوان مقرر فرماندهی تلقی می شده است نه به عنوان مقر حاکمی که از لحاظ رتبه و مقام برتر بوده است. حاکم دژ هدایت مردمان دژ را از طرف محتشمان قهستان بر عهده می گرفته است. لازم به ذکر است، برخی از این ارگ ها دارای تأسیسات بسیار پیشرفته مانند سیستم زهکشی فاضلاب (قلعه کوه دره بیرجند) و همچنین پلان چهار ایوانی (دژ کوه فردوس) بوده اند.

فضاهای داخلی

این فضاها عموماً در سطوح بالایی دژ بین سربازخانه ها و ارگ ساخته می شد و محل سکونت افراد اصلی دژ نظیر فرماندهان و سرداران بود. اندازه خانه ها معمولاً کوچک بود که در دژهای مختلف با توجه به شرایط، امکانات و دسترسی ها شکل و ساختار آنها متفاوت است (پازوکی، ۱۳۷۶: ۱۶۳). ساخت این گونه فضاها به شکل ها و فرم های مختلف صورت می گرفت و شکل منظم هندسی نداشته و در هر دژ، بنا به اقتضای محل فضاهای داخلی شکل می گرفت. این فضاها به صورتی ساخته می شد تا با امکانات کم، حداقل رفاه ساکنین برای یک مدت طولانی تأمین گردد چرا که احتمال می رفت در برخی مواقع محاصره های بسیار طولانی اتفاق می افتاد و مدافعین برای چندین ماه و یا سال در محاصره قرار می گرفتند و این مسئله ایجاب می کرد تا ساکنین حداقل محل آرامی برای استراحت و آسایش خود داشته باشند. داخل باروی اصلی دژ، اتاق های متعددی برای دژنشینان، زنان، فرزندان و گاهی محلی برای اسبان و قاطران بارکش، بناهایی برای انبار مواد مختلف، خواربار یا برای اسلحه بنا شده است (ستوده، ۱۳۴۵: ۱۷).

عمده قسمت های دژ به مکان جای گیری و اسکان سربازان اختصاص می یافت. این اتاق ها در کنار دیوار بیرونی ساخته می شده تا با سرعت عمل مناسب، سربازان خود را به برج ها و بالای دیوارها برسانند. سقف این اتاق ها ضریبی بود که به تقلید از بناهای دوره ساسانی ساخته شده و این سقف ها را با آجر یا سنگ و ملات گچ به صورت ضریبی (قوس پنج و هفت) ساخته و بالای آن را با نخاله ها، خاکستر، لاشه سنگ و خاک پر می کردند تا هم سطح شود. کف اتاق را نیز بنا به اهمیت و کاربرد آن گچ یا آجر فرش می کرده اند و طریقه ساخت آن به این صورت است که ابتدا یک لایه نازک از خاک طبیعی کوه را در سطح فضا پهن کرده یا قسمت های بلندتر را در صورت امکان تراشیده و سپس لایه ای از نخاله های ساختمانی که شامل قطعات گچ، آجر و سنگ می شد را در کف فضا پهن کرده تا کف فضا هم سطح شده و پستی بلندی های آن از بین برود. بعد از این اقدام، در صورت امکان یک لایه خشت و یا یک لایه گل ضخیم بر روی نخاله ها قرار می گرفت و گچ نیم کوب یا آجر بر روی آن قرار می گرفت. کف سازی فضاها، بسته به نوع کاربری آن فضا نیز تغییر می کرد، فضاها مهم و بااهمیت آجر فرش شده و دیوارهای آن نیز به صورت دقیق و مرتب با آجر و کاشی تزئین می شد و در اتاق های عمومی از گچ و در اتاق های کم اهمیت از کف کوبیده با گل استفاده می شده است (شکل ۱۴).



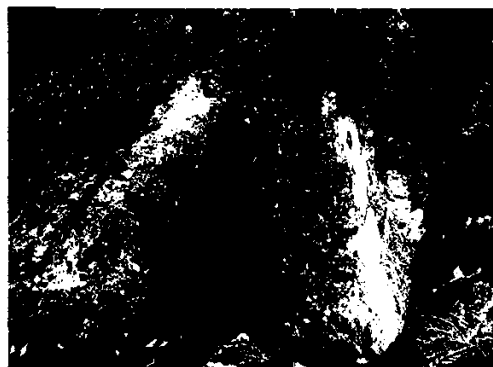
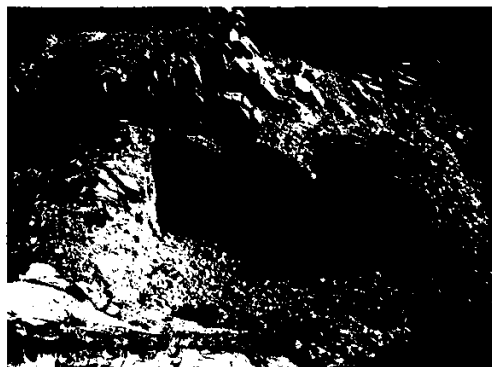
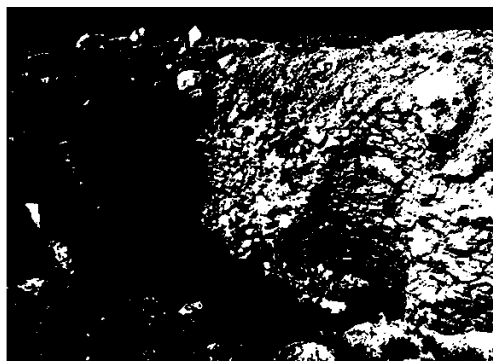
شکل (۱۴): شیوه کف سازی در قلعه های اسماعیلی (قلعه کوه فردوس)

حوض انبارها

حوض انبارها در قلاع اسماعیلیه صرفاً کاربرد ذخیره آب را نداشته اند بلکه علاوه بر مایعاتی چون آب و عسل، خشکبار و سایر مواد نیز در آن نگهداری می شده است. در دژ الموت، عسل و مواد دیگری

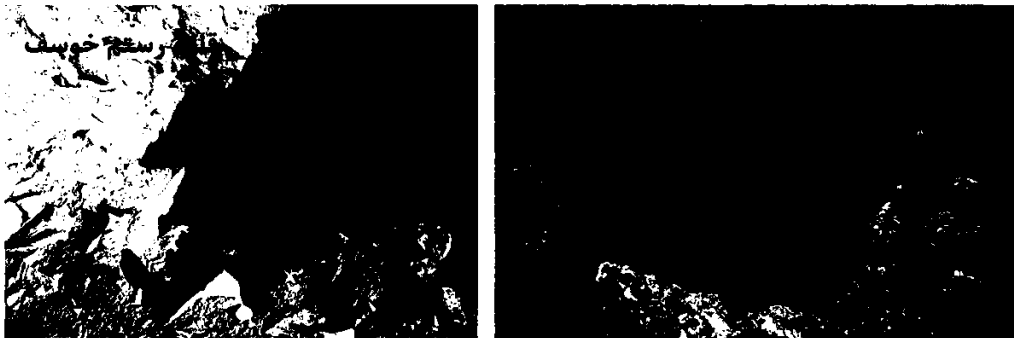
که به شکل مایع هستند در حوض انبارها نگهداری می شده است. اکثر این حوض انبارها در سنگ کنده شده اند و طاقی از سنگ و گچ بر آنها زده اند (ستوده، ۱۳۴۰: ۳۵۶؛ ستوده، ۱۳۴۵: ۱۹).

در منطقه قهستان، به دلیل خشکی هوا نگهداری مواد خشکبار چون بادام، گردو و سایر محصولات محلی که در منطقه به دست می آمد کار ذخیره را راحت تر می ساخت. حوض انبارها یا در داخل صخره طبیعی کنده می شدند و اطراف آن را با ساروج اندود می کردند و یا اینکه قسمتی از آن داخل صخره بود و سایر قسمت ها را با آجرهای اغلب $۱۵ \times ۱۰ \times ۵$ سانتی متری می ساختند (دژکوه حسین قاینی) و پس از آن لایه ای از ساروج برای اندود و نفوذ ناپذیر کردن آن در درون حوض انبار به کار می بردند. شکل این حوض انبارها دایره ای، مستطیلی، مربع و برگ شبدری است (دژکوه افین و دژ حسن بایخان قاین) (شکل ۱۵).



شکل (۱۵): نمونه ای از حوض انبارهای ایجاد شده در دژهای منطقه قهستان

به دلیل اهمیت زیاد حوض انبارها، تعداد زیادی از این فضاها به منظور ذخیره انواع مختلف آذوقه ایجاد می شد که در دژ کوه حسین قاینی بیش از بیست حوض انبار ایجاد شده است. حوض انبارها را به گونه ای ساخته اند که تمامی آب بارانی را که بر سطح دژ فرو می آمد را جمع آوری کرده و به این حوض انبارها منتقل می کرده اند. در برخی از دژها جوی های آب، آبی را که از قنات یا سایر قسمت ها جمع آوری می شد و به دژ منتقل می کردند به مانند دژ الموت که دیوچو آب آن را تامین می کرده است (ستوده، ۱۳۴۵: ۴۵). البته این گونه جوی ها در دژهای اسماعیلیه قهستان کمتر به چشم خورده و تاکنون فقط در یک دژ، جوی آب مشاهده شده و این جوی آب برای راه انداختن آسیاب خارج دژ و همچنین آب آشامیدنی ساکنین دژ بوده است (دژ حوض غلام کش). در برخی از قلعه های اسماعیلی به منظور تامین آب ساکنین قلعه علاوه بر تامین آب از طریق حوض انبارها، از چاه به این منظور استفاده می شده است. نمونه این چاه ها در قلعه گردکوه دامغان، قلعه جلال الدین جاجرم دیده شده و در منطقه قهستان در قلعه رستم خوسف از این گونه چاه ها را می توان مورد مطالعه قرار داد یا از طریق کانال ها و پایاب هایی ارتباط قلعه را با منبع آبی در پائین دست برقرار می کردند. نمونه این کانال ها در قلعه لمبسر به رودخانه نینه رود و شیخ قلعه شه میرزاد از رودخانه دائمی که در پای کوه با نامه چشمه روزبه و چشمه شیخ تامین می شده است (شکل ۱۶).



شکل (۱۶): نمونه ای از چاه های ایجاد شده در قلعه ها

۱. جوی آبی که از چشمه های اطراف الموت آب این دژ را تامین می کرده است.

حیاط (صحن ها)

حیاط ها در قسمت های داخلی یا مرکزی دژها ایجاد می شد و محل اجتماع ساکنین به حساب می آمد. این فضای معماری کمتر در دژها مشاهده شده و کمتر دژری را می توان یافت که دارای این گونه فضایی باشد. خوشبختانه با فعالیت ها و بررسی هایی که در سطح منطقه صورت گرفته، تعدادی از دژها شناسایی شده اند که دارای حیاط می باشند (دژ کوه فردوس و دژ دختر بشرویه). این حیاط ها در ارگ دژ قرار دارند که برخی دارای پلان چهارایوانی زیبایی می باشند (دژ کوه فردوس) و این احتمال وجود دارد که به عنوان مرکز تجمع و تمرکز مردم برای اعلان خبر یا فعالیت خاصی مورد استفاده قرار می گرفته است (شکل ۱۷).



شکل (۱۷): محوطه صحن و حیاط قلعه ها

راهروها

یکی از کلیدی ترین بخش های دژ را تشکیل می دهند، چرا که بیشترین نقش را در مرتبط ساختن فضاهای داخلی ایفا می کنند. این راهروها در ابعاد مختلف و به شکل ها و فرم های متنوعی بسته به مکان و جایگاه خود ساخته شده اند. برخی از این راهروها، در کوه تراشیده شده و برخی نیز به صورت سرپوشیده یا بدون پوشش بوده و برخی نیز دارای سکوهایی برای نشستن و استراحت بوده اند (دژ کوه حسین قاینی، شاهدژ نهبندان). در کف این راهروها، مسیرهایی ناودانی (کانال) تعبیه شده تا آب های جاری حاصله از نزولات جوی را در خود جمع کرده و به آب انبارها هدایت نماید، که نمونه این

کانال‌ها در برخی دژها به دست آمده است (دژ کوه حسین قاینی و قلعه دره بیرجند) (شکل ۱۸).



شکل (۱۸): شکل و فرم دو نمونه راهرو

دروازه

دروازه به شکل‌های مختلف بوده که مهم‌ترین نوع آن دروازه‌هایی است که در مدخل شهرها میان حصار و باروی شهرها و روستاها قرار داشته و ارتباط خارج و داخل ارگ را برقرار می‌ساخته است و این دروازه‌ها به هنگام غروب بسته و به هنگام طلوع باز می‌شدند. هر شهر، روستا و قلعه بسته به میزان جمعیت و وسعت خود و یا طرز ساختمان بارو دروازه‌های متعددی داشت (پازوکی، ۱۳۷۶: ۱۲؛ ستوده، ۱۳۴۰: ۳۵۱) در دژهای اسماعیلی دروازه‌ها را در محل‌هایی تعبیه می‌کرده‌اند که به خوبی بتوانند به قلعه دسترسی داشته و هم‌اینکه دشمن به راحتی نتواند به این دروازه به راحتی دسترسی پیدا کند. به همین منظور دروازه‌ها را طوری می‌ساختند تا حداقل دو برج پشتیبان داشته و به راحتی بتوانند از آن دفاع کنند. علاوه بر این، ورودی‌ها و دروازه‌ها به صورتی ساخته می‌شد که رفت و آمد به راحتی در آن صورت نگیرد و دشمن با فراغ‌بال به این محل وارد نشود بلکه ورودی را با پیچ و خم زیاد و دالان‌هایی می‌ساختند تا دشمن به راحتی نتواند به سایر بخش‌های قلعه دسترسی داشته باشد. پیچیده‌ترین نوع دروازه ورودی در میان قلعه‌های اسماعیلی را می‌توان در قلعه مصیاف سوریه در جبل‌بهره مشاهده کرد (شکل ۱۹).

قلعه کوه فردوس



شکل (۱۹): گونه ای از دروازه های ورودی که نسبتاً سالم باقی مانده اند.

سربازخانه

این فضاها به دلیل وظایف دفاعی که بر عهده ساکنین دژ خصوصاً سربازان است در فاصله بین حصار یا بارو با حصارهای داخلی و ارگ قرار داشته و عموماً به صورت اتاق های تودرتو ایجاد می شدند (پازوکی، ۱۳۷۶: ۱۶۳). سربازخانه ها را در محل هایی از قلعه قرار می دادند که افراد به راحتی بتوانند خود را برای دفاع به بالای حصار و برج ها برسانند. معمولاً اتاق های سربازان در سطوح میانی قلعه ها ساخته می شد (قلعه کوه سربیشه، قلعه کوه حسین قاینی و قلعه رستم خوسف) و اتاق ها به صورت ردیف های پشت سرهم با یک راهروی مرکزی می باشند که به وسیله این راهروی مرکزی به سایر بخش ها مرتبط می شد (قلعه کوه مود). مصالح و شیوه ساخت این اتاق ها به مانند سایر قسمت های دژ بود و تنها از لحاظ تمرکز این فضاها به صورت متمرکز در یک محل قرار می گرفتند (قلعه رستم خوسف) (شکل ۲۰).



شکل (۲۰): جایگاه سربازخانه ها در دژها

خندق

ساخت خندق و خندق سازی به دوران ساسانیان بر می گردد. در تاریخ دیلمی آمده است: «و هر شهری که اندر پادشاهی او (منوچهر) بود بفرمود تا گرداگرد شهر کنده کنند و نخستین کسی که اندر جهان خندق کرد وی بود و به هر شهری آلت حرب و سلاح وی گرد کرد» (همان: ۱۲۰).

خندق ها به طور کلی به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) خندق هایی که پیرامون شهرها، روستاها و دژها ایجاد می شوند.

ب) خندق هایی که خود به عنوان بنایی مستقل در گذرگاه ها و تنگه ها برای جلوگیری از تهاجم بیگانگان احداث می گردیدند. هر دو این خندق ها جهت امنیت بیشتر ایجاد می شوند (همان: ۱۲۱).

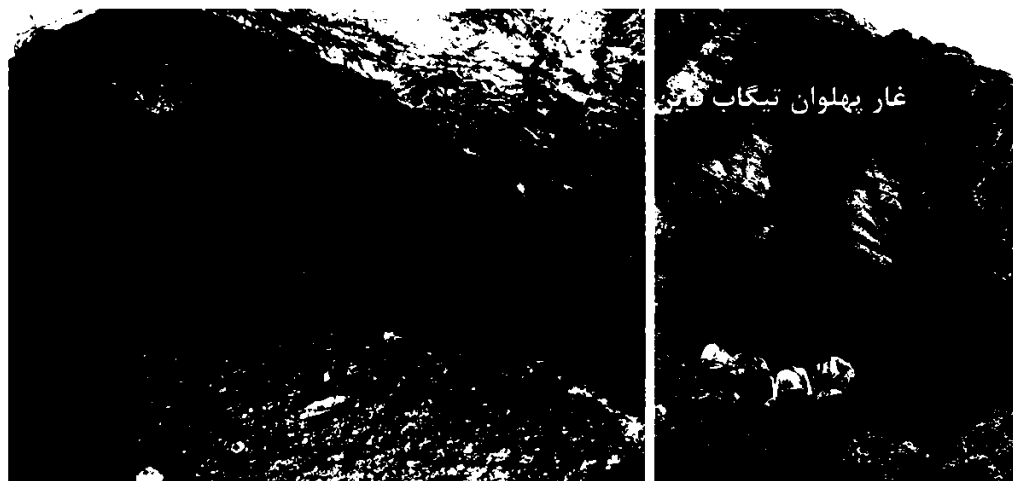
قلعه های اسماعیلی به دلیل اینکه همگی آنها بر بالای کوه ها ساخته شده اند هیچ گونه خندقی در اطراف خود نداشته اند و تنها در برخی کتب، به وجود خندق در پای کوه الموت و گرد کوه دامغان اشاره شده است. وجود خندق در هیچ کدام از دژهای اسماعیلی منطقه قهستان به اثبات نرسیده و تاکنون شواهد آن نیز رویت نشده و به طور کلی، وجود یا عدم وجود خندق در پای کوهی که دژ بر بالای آن قرار گرفته را نمی توان رد یا اثبات کرد. اما نمونه خندق تنها در دژ اسماعیلی دره الموت مورد تأیید مورخین، سفرنامه نویسان و سایر کسانی که از این دژ دیدن کرده اند، قرار گرفته است.

غارها

نوعی دیگر از دژهای کوهستانی قلاعی هستند که با استفاده از غارهای دامنه پرتگاه ها بوجود آمده اند، جلوی این غارها را با سنگ و گچ چیده اند و به شکل دروازه ای در آورده اند و تعرض و حمله به این نوع قلاع، تقریباً غیر ممکن و با وسائل آن روز مشکل بود که بتوان این نوع قلاع را تسخیر کرد. از جمله آنها می توان قلعه شمس کلایه (میمون دژ) بالای چهار ناحیه رودبار الموت را ذکر کرد (ستوده، ۱۳۴۰: ۳۵۴).

تعدادی از این غارها و پناهگاه ها، علاوه بر محل سکونت به سبب ضروریات زمانی، مرکزی برای انجام مراسم مذهبی به شمار رفته و به عنوان مکانی مقدس مورد احترام قرار می گرفتند (پازوکی، ۱۳۷۶: ۱۲۶).

در برخی از دژها، راهروهای دسترسی متفاوتی برای رسیدن به بخش های مختلف دژ ایجاد کرده اند تا هنگام ورود دشمن به دژ، مدافعین به راحتی بتوانند از این مسیرهای زیرزمینی از دژ خارج شده و یا با ورود دشمن به داخل این مسیرها و آشنا نبودن با مسیر به راحتی بتوانند او را از پای درآورند (قلعه کوه زردان). در قهستان، مجموعه ای از غارهای آهکی وجود دارد که همگی این غارها، آثار سکونت در آنها به دست آمده است. وجود نشانه های سکونت در این غارها خصوصاً در دوران سلجوقی نشان استفاده از این غارها توسط اسماعیلیه در این دوره است (غارهای پهلوان در زیرکوه، جوجه، مشارگک^۱ و ... در قاین). (شکل ۲۱).



شکل (۲۱): دو نمونه از غارهای مسکونی در دوره سلجوقی

برخی از قلاع اسماعیلیه دارای قبرستانی در بیرون از فضای دژ می باشند که مردگان خود را در آن دفن می کرده اند و اکنون آثار اندکی از این قبرستان ها به جای مانده اند (دژکوه زردان، دژکوه حسین قاینی، دژ ناصر القور و دژکوه اسفدن).

۱. نام روستایی از توابع دهستان مهیار در شمال قاین

نتیجه گیری

به نظر می رسد با توجه به شکل و ساختار اغلب قلعه های ساخته شده در بخش های مختلف قهستان و همچنین سایر بخش های ایران، می توان این گونه نتیجه گرفت که اکثر قلعه هایی را که اسماعیلیه برای خود می ساختند اساساً دارای بخش ها و کاربری های مختلف بوده اند که البته استفاده کنندگان این قلعه ها در منطقه قهستان و الموت تا حدودی آزادی عمل داشته و به دلیل تسلط آنان به بخش های زیادی که به صورت کلی زیر نظر آنان قرار داشته عمدتاً قلعه هایی را ساخته اند که بیشتر جنبه های دفاعی داشته باشند. ولی اساساً اسماعیلیه در تمام مناطق دژها را طوری ساخته اند که تمامی افراد از تمام سنین و صنوف بتوانند در آن به زندگی روزمره خود پردازند. دژهای اسماعیلیه در نقاط مختلف ایران به صورت مستقل ساخته شده و قلعه ها به صورت دارالهجیره مستقل از یکدیگر و به مانند یک واحد جدا از هم ساخته شده اند. البته قلعه هایی نیز بوده اند که نقش قراولخانه یا پشتیبانی یا برج های دیدبانی را ایفا می کرده اند که در منطقه الموت و قهستان از این نمونه قلعه ها بیشتر به چشم می خورد (قلعه دختر قاین، قلعه کافران و مسلمانان گرسک در میان، قلعه دختر دره بیرجند و ...).

ویژگی دیگری که قلعه های اسماعیلیه را از دژهای سایر دوره های اسلامی متفاوت کرده این است که این دژها همگی بر ارتفاعات ساخته شده اند و کمتر دارای نقطه ضعف های دفاعی می باشند و با یک گروه اندک از مدافعین می توانستند امنیت دژها را تأمین نمایند. نکته دیگر اینکه غالب قلعه هایی که مورد بازدید قرار گرفته اند همگی دارای ساختار سه بخشی قلعه های ساسانی - اسلامی می باشند و کمتر قلعه ای را می توان یافت که حداقل دارای دو ساختار دفاعی یا سطح (بخش) نباشد.

قلعه های اسماعیلی کاملاً ساختار خود کفایی داشته و هر قلعه بدون نیاز به قلعه های پیرامونی خود نیازهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود را تأمین می کرده که این مسأله باعث می شد تا اگر یک قلعه اسماعیلی در برابر حملات دشمن طاقت نمی آورد و سقوط می کرد سایر قلعه ها به تبع آن تسلیم نمی شدند بلکه به مقاومت ادامه داده و در چندین مورد موفق به حفظ موقعیت خود در طول تاریخ ۱۷۰ ساله خود شده اند.

منابع و مآخذ

- ۱- اشیولر، برتولد (۱۳۷۳). ایران در قرون نخستین اسلامی. ترجمه جواد فلاطوری. تهران: علمی فرهنگی.
- ۲- ایوانف، ولادیمیر (۱۳۸۳). "الموت". ترجمه مریم سینایی و عنایت الله مجیدی. مجله نامه انجمن، شماره ۱۶ (زمستان): ۲۱-۴۰.
- ۳- پازوکی طرودی، ناصر (۱۳۷۶). استحکامات دفاعی در ایران دوره اسلامی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۴- ----- (۱۳۸۰). "شهر و نقش دفاعی شهرها". در: مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. به کوشش دکتر باقر آیت ا... زاده شیرازی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۵- جوینی، عطا ملک (۱۳۸۷). تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۳. به اهتمام احمد خاتمی. تهران: نشر علم.
- ۶- دفتری، فرهاد (۱۳۸۳). تاریخ و عقاید اسماعیلیه. ترجمه فریدون بدره ای. تهران: فرزانه روز.
- ۷- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۰). لغت نامه دهخدا، ج ۹. تهران: دانشگاه تهران.
- ۸- رضایی، محمد؛ ایرانشاهی، عباس؛ تبریزی، حسین (۱۳۸۳). دژهای باستانی در منطقه کومش، مجله اثر، شماره ۳۶ و ۳۷، (تابستان): ۱۱۲-۱۳۵.
- ۹- ستوده، منوچهر (۱۳۴۰). استحکامات سرزمین ایران در دوران اسلامی، مجله مکتب تشیع، شماره ۶، ۳۴۸-۳۵۸.
- ۱۰- ----- (۱۳۴۵). قلاع اسماعیلیه در رشته کوه های البرز. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۱- ----- (۱۳۶۲). قلاع اسماعیلیه در رشته کوه های البرز. چ دوم. تهران. طهوری.
- ۱۲- فرقانی، محمد فاروق (۱۳۸۱). تاریخ اسماعیلیه قهستان. تهران: آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۱۳- مهریار، محمد (۱۳۴۳). شاهدژ کجاست. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره اول، شماره اول، ۸۷-۱۵۷.

- ۱۴- ولادیمیرونا، استرو یوالودمیلا (۱۳۷۱). اسماعیلیان در ایران. ترجمه پروین منزوی. تهران: اشاره.
- ۱۵- هاجسن، مارشال (۱۳۶۹). فرقه اسماعیلیه؛ ترجمه فریدون بدره ای؛ تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۱۶- همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۸۷). جامع التواریخ (تاریخ اسماعیلیان)، به تصحیح محمد روشن، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب و موسسه مطالعات اسماعیلیه.
- 17- Cuyler Young(1969), Jr. *The Chronology of the Late Third and Second Millennia in Central Western Iran as Seen from Godin Tepe*, American Journal of Archaeology, Vol. 73, No. 3., pp. 287-291.
- 18- Dayson, Robert (1989) "The Iron age architecture at Hasanlu: An essay, Expedition" Vol.31, No.2-3, pp.107-127.
- 19- Stern, S. M. Beazley, E; Dobson, A." *the fortress of Khan Lanjan, Iran*" ViL. IX, No.